

هدایای کافرما و افزایش حقوق

(روایتی از محل کار)

ساعت‌هایی که به آشپزخانه شرکت می‌روم، گاهی فرصتی می‌شود تا با خدماتی شرکت گفت‌وگویی داشته باشم، درمورد خانواده‌ی همسرش، شب‌نشینی با دوستان قدیمی‌اش، اسباب‌کشی از خانه‌شان به خانه‌ای دیگر که هنوز هم ۵۰ کیلوتر از تهران فاصله دارد، درمورد دخترش که به خاطر استرس زیاد، از رفتن به مدرسه واهمه دارد و اخیراً به پیشنهاد همکاران شرکت، او را به جلسه‌ی مشاوره می‌برد. چند هفته پیش در حال گرم کردن ناهارم بودم که آرام پرسید:

- شما می‌دونید مهندس می‌خواد حقوق‌ها رو زیاد کنه یا نه؟
- نه من اطلاعی ندارم، چطور؟
- توی محل کار قبلم هر ۳ ماه یه بار، مدیره دو سه تومن می‌داشت رو حقوق مون. من فکر می‌کردم این جا هم مهندس همین کارو بکنه.
- نه این جا هیچ وقت این جور نبوده، اما اگه قراردادت تموم بشه می‌تونن برای قرارداد بعدی درخواست حقوق بیشتر بکنن و با مهندس سر اون به توافق برسی، من خودم همین کارو کردم، از قراردادت چقدر مونده؟
- یعنی همین جوری زیاد نمی‌کنه؟ از قرارداد قبلی ام فکر کنم یه ماه و نیمه گذشته.
- خب باید باهاش قرارداد جدید می‌بستی!
- الان یعنی دیگه نمی‌شه بهش بگم؟
- چرا می‌شه، برگشت ایران، حضوری باهاش صحبت کن و بگو که قراردادم تموم شده و بیا یه دونه جدید امضا کنیم؛ همون موقع می‌تونن درمورد حقوقت هم صحبت کنن.
- موافقت می‌کنه؟ یا صبر کنم تا بعد عید که سراسری حقوقارو زیاد می‌کنن؟ این پولی که الان به من می‌ده خیلی کمه، با اجاره‌خونه و زن و بچه؛ من از راه دور میام، ۴:۳۰ صبح می‌زنم بیرون ۸ شب تازه می‌رسم خونه.

- الان به افزایش حقوق بعد عیدت کاری نداشته باش، برو درمورد قرارداد جدیدت و حقوقت باهاش صحبت کن، نگران نباش.
- دوشنبه قراره برگرده ایران، جمعه صبح زود رفتهم خونه اشو تمیز کردم، اون سر تهران بود.
- خونه ی کی؟ مهندس؟
- آره، اما پول تمیز کاریمو هنوز نزده. به نظر شما چقدر می زنه؟
- نمی دونم واقعیت، احتمالاً هرچقدر هر بار می زده.
- والا بار اولی بود که می رفتم واسه تمیزکاری، شما که می دونی من اصلاً کارم تمیزکاری نیست خانم مهندس، من تو عسلویه تو سایت برای هفتصد نفر آشپزی می کردم، الان هم که می بینی میام این جا، سرویس بهداشتی می شورم و جارو می کشم، مجبورم! دخترم فکر می کنه من این جا آشپزم.
- از این دست مسایل بارها در موقعیت های مختلف برایم تعریف کرده بود.
- احتمالاً یا موقعی که اومد پول تمیزکاریو می ده یا ته ماه با حقوق می ده. دیدی دیر شد و پرداخت نکرد، خجالتو بذار کنار، یا به مالی بگو یا به خودش.
- باشه باشه، خیلی ممنون.
- دوشنبه ی همان هفته، آخر وقت بود و من و یکی دیگه از همکارانم پشت سیستم های مان مشغول بودیم که مهندس از فرودگاه مستقیم با چمدان هایش به شرکت آمد، بعد از سلام و احوال پرسی، به دفترش رفت و با یک کوله ی بزرگ صورتی بازگشت، کوله و محتویات جورواجورش را به من نشان داد و گفت:
- اینو برای دختر آقای ... آوردم، بلکه کوتاه بیاد و علاقه مند بشه بره مدرسه، خوبه به نظر شما؟
- پس این بار دختر خدماتی شرکت مان هم از این نوع لطف و محبت مهندس سهمی می برد!
- خیلی خوبه، حتماً خوشش میاد.
- اواسط هفته ی بعد، در حال گرم کردن ناهارم در آشپزخانه بودم و خدماتی شرکت مشغول ظرف شستن بود. سوال کردم:
- همه چی رو به راهه؟

- بله خانم مهندس، شکر، دخترم این چند روز واسه مدرسه رفتن اصلاً اذیت نکرده، مهندس اومدنی براش هدیه گرفته بود.
- آره دیدم، خداروشکر پس.
- خدا خیرش بده، تلفنی هم باهاش صحبت کرد و تشویقش کرد بره مدرسه.
- خیلی خوبه. بابت قرارداد و حقوق باهاش صحبت کردی؟ هزینه‌ی تمیزکاری خونه‌اشو برات واریز کرد؟
- آره اونو برام زد، اما بابت حقوق و قرارداد خجالتم اومد الان باهاش حرف بزنم. زشته! برای دخترم هدیه گرفته. ماه بعد یا دم عید بهش می‌گم.

در شرکت ما، تقریباً وضعیت همه‌ی کارمندان در مورد دستمزد مشابه است، هیچکدام مان از افسون لطف و محبت‌های مدیر عامل مان در امان نیستیم. من با سوغاتی‌های مهندس از سفرهای خارجی، خودم را بابت دستمزد راضی نگه می‌دارم، آن یکی به خاطر هدیه‌ی پر زرق و برقی که از مهندس برای سالروز تولدش گرفته است، اگر در مورد دستمزد بیش‌تر با او گفت و گو کند شرمگین خواهد شد، یکی دیگر با مهمانی‌های آخر ماه شرکت، خودش را آرام می‌کند و مابقی با مقایسه‌ی دستمزد امروزشان با دستمزدی که از محل کار قبلی‌شان می‌گرفتند به این نتیجه می‌رسند که کار کردن‌شان در این جا در هر صورت بُرد محسوب می‌شود.

این حربه‌ی مدیر، هم درخواست‌های کارکنان را به حداقل رسانده است و هم در انجام کارها و ایجاد اعتماد به کارکنان برای وی اطمینانی ایجاد کرده است. کار بیش‌تر و درخواست کم‌تر بهترین چیزی است که هر سرمایه‌دار و کارفرمایی را راضی می‌کند و یکی از ابزار های این کار محبت‌ها و هدایایی است که قرار است سرپوشی بر رابطه‌ی مزدوری و مصایبش باشد.